

تهدید به جنگ تنها راه دستیابی به صلح با ایران است

به قلم دنیس راس (/fa/experts/dnys-ras-0/)

۱۲ نوامبر ۲۰۲۱

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/threat-war-only-way-achieve-peace-iran

العربية (/ar/policy-analysis/altdydy-balhrb-hw-alsbyl-alwhyd-lthqyq-alslam-m-ayran/)

Also published in Foreign Policy

درباره نویسنده



دنیس راس (/fa/experts/dnys-ras-0/)

سفير دنیس راس، دستیار ویژه پیشین پرزیدنت باراک اوباما، مشاور انستیتو و هموند برجسته ویلیام دیویدسون در انستیتو واشنگتن است.



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

تهران دیگر واشنگتن را جدی نمی‌گیرد لذا دولت بایدن اگر می‌خواهد مساله هسته‌ای پیشرفت کند باید چشم انداز تنش نظامی را دوباره روی میز گزینه‌ها بگذارد

ویکرد دولت بایدن در قبال ایران مبتنی بر بازگرداندن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ و محدودیت‌هایی است که بر زیرساخت‌های هسته‌ای ایران تا سال ۲۰۳۰ اعمال می‌کند. دولت بایدن معتقد است که اگر موفق به انجام این کار شود آنگاه فرصت برای مذاکره در مورد یک توافق «طولانی‌تر و محکم‌تر» را خواهد داشت. توافقی که منجر به تمدید بازه زمانی بند غروب شود که به محدودیت‌های کمی و کیفی برنامه هسته‌ای ایران پایان می‌دهد و توافقی باشد که به مسائل مربوط به موشک‌های بالستیک و رفتار تهاجمی ایران در منطقه هم بپردازد. این توافق مثل یک طرح نظامی است که قرار است تا زمان مواجهه با دشمن کار کند و لازمه اش این بود که ایرانی‌ها با آن همگام باشند اما آنها نشان دادند که شریک برنامه‌های کاخ سفید نخواهند بود.

در عوض ایرانی‌ها برنامه هسته‌ای خود را به سطح بسیار خطرناک‌تری رساندند و در این روند تردیدهایی را برانگیخته‌اند که آیا پاسخ دیپلماتیکی برای این مساله وجود دارد یا نه. ایرانی‌ها نه تنها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از امکان نظارت بر فعالیت‌های غنی‌سازی خود محروم کرده‌اند بلکه قدم‌هایی برداشته‌اند که هیچ توجیهی از نظر مقاصد غیرنظامی ندارد. یعنی غنی‌سازی اورانیوم تا میزان ۶۰ درصد و تولید فلز اورانیوم آنها اعلام کرده‌اند که این اقدامات در واقع پاسخی به اقدامات خرابکارانه اسرائیل علیه تأسیسات و نیروگاه‌های هسته‌ای ایران در نطنز و کرج است. نیروگاه‌هایی که تولید کننده سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم هستند اما این حرف صرفاً مستمسکی برای انجام اقداماتی است که هیچ ارتباطی با استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نداشته است.

هرچند مقامات دولت بایدن توجیهات دولت ایران را برای اقداماتی که این کشور را به سمت سلاح هسته‌ای سوق می‌دهد رد می‌کنند اما من اخیراً در اسرائیل متوجه شدم که مقامات دولت بایدن به اسرائیلی‌ها گفته‌اند که «فشار خوب» بر ایران داریم و «فشار بد» و آنها خرابکاری در نطنز و کرج را نمونه‌ای از «فشار بد» می‌دانند چرا که ایرانی‌ها از این بهانه استفاده کردند تا اورانیوم را تا حد تسلیحات هسته‌ای غنی‌سازی کنند و به تولید فلز اورانیوم پرداختند که هدف اصلی از تولید آن ساخت هسته اصلی بمب اتمی است.

گرچه این موضوع مطمئناً صحت دارد که ایران از اقدامات یادشده برای عبور از آستانه‌های خطرناک استفاده کرده اما این استدلال یک نکته

اساسی را نادیده می‌گیرد این که ایرانی‌ها اهمیت این اقدامات را درک می‌کردند و در عین حال بدون وا همه آنها را انجام داده‌اند. آنها به‌وضوح می‌دانستند که انتظار هیچ نوع واکنشی اعم از دیپلماتیک یا غیر آن از طرف آمریکا یا سایر اعضای گروه ۵+۱ از جمله چین فرانسه آلمان روسیه و بریتانیا نمی‌رود و حق با آنها بود زیرا این کارها هیچ پیامدی برایشان نداشت.

ریختن ترس ایرانی‌ها از عواقب جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود خطرناک است. این موضوع ممکن است منجر به یک خطای محاسباتی از سوی ایران شود مبنی بر اینکه ایالات متحده هرگز به واکنش نظامی دست نمی‌زند چون چنین اقدامی حتماً احتمال رسیدن به نتیجه دیپلماتیک (در مذاکرات هسته‌ای) را کمتر می‌کند.

آیا ایرانی‌ها در حال حاضر دارند با غنی‌سازی تا حد تولید سلاح هسته‌ای ساخت فلز اورانیوم و نصب آبشار سانتریفیوژهای پیشرفته واشنگتن را تحت فشار می‌گذارند تا مفاد توافق هسته‌ای بهبود یابد و در عوض محدودیت‌های کمتر در زمینه زیرساخت‌های هسته‌ای خود و لغو تحریم‌های بیشتری را نسبت به آنچه حقشان است دریافت کنند یا اینکه آنها این کار را به این دلیل انجام می‌دهند که می‌خواهند به یک قابلیت آستانه‌ای مانند ژاپن دست یابند که در صورتی که بخواهند بتوانند خیلی سریع به تولید یک سلاح هسته‌ای برسند یا هر دو هدف را در نظر دارند چون این گزینه‌ها صرفاً با یک جانب ندارند.

فارغ از این نکات اگر ایرانی‌ها متوجه نباشند که مسیری که در آن قرار دارند برایشان خطرناک خواهد بود احتمال توسل به زور هم بالا می‌رود. مطمئناً اگر اسرائیلی‌ها اعتقاد پیدا کنند که خطر هسته‌ای ایران جدی است آنگاه احتمال اینکه دست به حرکت‌هایی فراتر از خرابکاری بزنند و به کل زیرساخت‌های هسته‌ای ایران حمله نظامی کنند بیشتر می‌شود. به‌ویژه وقتی ببینند که ایران همانند ژاپن به آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیک می‌شود و قابلیتی پیدا می‌کند که آن را قادر می‌سازد هر وقت مناسب دید خود را به عنوان دارنده سلاح هسته‌ای به جهان معرفی کند.

اگر آمریکا می‌خواهد خطر درگیری را کاهش دهد و موفقیتی در دیپلماسی کسب کند دولت باید دوباره ایران را از واکنش ایالات متحده بترساند و فشار بسیار مؤثرتری بر این کشور اعمال کند (البته این کار بر اسرائیلی‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و نیاز آنها را برای اقدام مستقل در این زمینه کاهش می‌دهد).

پس دولت بایدن چگونه می‌تواند محاسبات ایران را تغییر دهد به ویژه در زمانی که ایرانی‌ها سرانجام اعلام کرده‌اند

https://www.washingtonpost.com/world/iran-nuclear-deal-jcpoa-biden-iaea/2021/10/27/0ecf7420-3740-11ec-9662-399cfa75efee_story.html

سیاسی دیپلماتیک اقتصادی اطلاعاتی و نظامی است. از نظر سیاسی و دیپلماتیک آمریکا باید بر انزوای ایرانی‌ها تمرکز کند. دولت ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای برجام بدون داشتن برنامه‌ای برای جایگزینی آن اشتبانه‌ها باعث انزوای آمریکا شد نه ایران.

رهبران ایران خود را شبیه کره شمالی نمی‌دانند بنابراین انزوا برایشان اهمیت دارد اما انزوای سیاسی ایران مستلزم جدیت آمریکا در زمینه دیپلماسی و همکاری با دیگران است حتی در همان زمانی که آمریکا روشن می‌سازد که اگر دیپلماسی به نتیجه نرسد عواقب نظامی در پی خواهد آمد یعنی اگر نتواند مانع از تبدیل شدن ایران به یک کشور دارای قابلیت دستیابی به سلاح هسته‌ای شود. تهدیدها و سیاست‌های اعلامی بخشی از این مجموعه است. به عنوان مثال چین که بزرگترین واردکننده نفت جهان است نیازمند خاورمیانه‌ای با ثبات است نه خاورمیانه‌ای بی ثبات و جنگ‌زده و ایران در مسیر فعلی حرکت هسته‌ای خود به سمت آستانه تسلیح هسته‌ای دقیقاً این ثبات را به خطر می‌اندازد.

(در پراپتور بگویم که در سال ۲۰۰۹ در دوران حضورم در دولت اوباما به یکن اعزام شدم و در آنجا این استدلال را مطرح کردم که هیچ‌کدام از دو کشور چین و آمریکا نمی‌خواهند شاهد یک درگیری بزرگ در خاورمیانه باشند هرچند برنامه هسته‌ای ایران اگر مهار نشود باعث این درگیری خواهد شد. برای پرهیز از این کشمکش چین باید بخشی از تلاش آمریکا برای منزوی کردن ایران از نظر سیاسی و اقتصادی باشد و متعاقباً همینطور هم شد.)

مطمئناً نه روس‌ها و نه اروپایی‌ها نمی‌خواهند ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد یا در حال رسیدن به آن باشد. آنها این را هم می‌دانند که اگر تهران به اقدامات فعلی خود ادامه دهد خطرات یک درگیری گسترده‌تر در خاورمیانه وجود دارد. به ویژه ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه می‌داند که اگر اسرائیل مجبور به حمله به ایران شود حزب‌الله در لبنان و شبه‌نظامیان شیعه در سوریه نیز با ده‌ها هزار موشک و پهپاد به اسرائیل حمله خواهند کرد. با توجه به حضور روسیه در سوریه گرفتار شدن در میانه چنین کارزاری آخرین خواسته پوتین است.

آنچه که عامل پیوند کشورهای ۵+۱ می‌شود میل به جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از یک سو و اعتقاد به استفاده از دیپلماسی برای دستیابی به این هدف از سوی دیگر است. به همین جهت واشنگتن باید نشان دهد که به دیپلماسی پایبند است و این را هم نشان دهد که چه چیزی در این روند تداوم استفاده از دیپلماسی و خود ایران را به خطر می‌اندازد. برقراری این موازنه

مستلزم یک سیاست اعلامی (از سوی واشنگتن) است که خطری را که ایران با آن مواجه است به آن گوشزد کند بدون اینکه از دیگران (اعضای توافق هسته ای) فاصله گیرد. صحبت از در نظر گرفتن گزینه‌های دیگر کافی نیست چون این خط سیاسی اکنون عادی شده است. به جای آن دولت بایدن باید ضمن تأکید بر تعهد خود به دیپلماسی بگوید که اگر ایران دستیابی به یک نتیجه دیپلماتیک را غیرممکن سازد آنگاه تمام زیرساخت‌های هسته‌ای خود را به خطر می‌اندازد.

دولت بایدن باید قبل از تغییر موضع اعلامی آمریکا طرح‌های خود را با سایر اعضای O+5 در میان بگذارد. به علاوه رئیس جمهور بایدن باید سیاست اعلامی سخت‌گیرانه‌تر خود را با کمک‌های بشردوستانه به ایران تلفیق کند و از اروپایی‌ها و سایر کشورها دعوت کند تا در ارائه واکسن‌های کووید-19 به ایران به آمریکا ملحق شوند و به ایران در حل مشکلات شدید آب کمک کنند که به دلیل تغییرات اقلیمی و سوء مدیریت دارد بدتر می‌شود. اگر آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران به این کمک‌ها نه بگوید که به احتمال چنین خواهد کرد خود به انزوای ایران در خارج کمک کرده و موجب ناامیدی بیشتر مردم ایران در داخل شده است.

از نظر اقتصادی آمریکا نباید تحریم‌ها را لغو کند اما بایدن می‌تواند در ازای توقف غنی‌سازی فراتر از 3.67 درصد (و ارسال اورانیوم ذخیره شده بالاتر از این حد به خارج از کشور) توقف تولید فلز اورانیوم و پایان دادن به مانع‌تراشی برای بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی معافیت‌هایی برای خرید نفت ایران از سوی کشورهای معین در نظر بگیرد و یا دسترسی ایران به برخی از دارایی‌های مسدود شده‌اش را ممکن سازد.

از نظر نظامی نیز آمریکا باید از فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) برای اجرای مانورهای مشترک با اسرائیل و کشورهای عربی استفاده کند که شامل استفاده مشترک از سیستم‌های دفاعی در برابر حملات موشکی بالستیک و کروز استفاده از ابزارهای الکترونیکی و سلاح‌های سایبری برای از کار انداختن سامانه‌های پرتاب موشک و شبیه‌سازی عملیات انتقام‌جویانه در پاسخ به حملات قایق‌های کوچک تندرو خواهد بود. من از روی تجربه می‌دانم که ایران مانورهای نظامی آمریکا را با دقت دنبال می‌کند (نیروی هوایی آمریکا هم باید فارغ از مانورهای مشترک با انجام پروازهای منظم هواپیماهای B-52 در منطقه و نه پروازهای نمادین قدرت دسترسی نظامی خود را به نمایش بگذارد).

فراتر از این بایدن باید ایران را از این تصور درآورد که واشنگتن دست به اقدام نظامی نخواهد زد و از حمله نظامی اسرائیل هم مانع خواهد شد. تهیه بمب‌های بزرگ بتن شکن ۳۰ هزار پوندی برای اسرائیلی‌ها بمبی که فیوز تاخیری دارد و برای نفوذ در تاسیسات ایجاد شده در عمق زمین ساخته شده یکی از گزینه‌هاست. آمریکا همچنین باید بمب‌افکن‌های B-2 را به صورت امانی در اختیار اسرائیل قرار دهد تا بتواند از آن‌ها استفاده کند. اما این موضوع که واشنگتن آماده است این تجهیزات را در اختیار اسرائیلی‌ها قرار دهد باید پیامی خالی از ابهام برای ایرانیان در بر داشته باشد: آمریکا این تجهیزات را به اسرائیلی‌ها می‌دهد تا به تاسیسات غنی‌سازی فردو که در داخل کوه ساخته شده حمله کنند و آماده است که از این حملات اسرائیلی حمایت کند اگر این تنها راه خنثی کردن برنامه هسته‌ای ایران باشد.

اگر واشنگتن می‌خواهد احتمال استفاده از زور علیه برنامه هسته‌ای ایران را کمتر کند در این صورت احیای سیاست بازدارندگی ضروری است. برای این منظور رهبران ایران باید بر این باور باشند که اگر خط مشی فعلی خود را دنبال کنند و نتیجه مذاکره هسته‌ای را رد کنند آمریکا یا اسرائیل برای نابودی سرمایه‌گذاری عظیم آنها در برنامه هسته‌ای اقدام نظامی خواهند کرد. اولین بار نیست که تهدید واقعی به توسل به زور برای جلوگیری از استفاده از زور الزامی است.

دنيس راس مشاور و هموند ممتاز ویلیام دیویدسون در انستیتو واشنگتن است. این مقاله قبلاً در وبسایت فارین پالیسی، منتشر شده (<https://foreignpolicy.com/2021/10/27/threat-war-iran-nuclear-biden-israel-only-way-achieve-peace/>)

است.





BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

۱۱ فوریه ۲۰۲۲

◆
Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



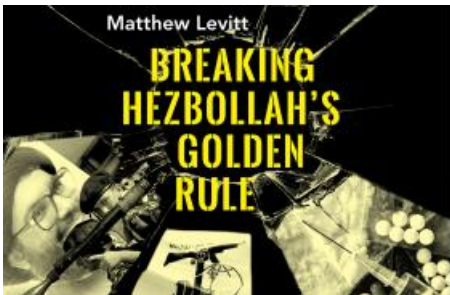
BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

۱۱ فوریه ۲۰۲۲

◆
Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

۹ فوریه ۲۰۲۲

◆
Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/mn-ashah/\) منع اشاعه](#)

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\) نظامی و امنیتی](#)

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\) سیاست آمریکا](#)

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/asrayy/\) اسرائیل](#)

[\(fa/policy-analysis/ayran/\) ایران](#)

